



افتخار به قطع ناقص اینترنت

در نشست «اواکوی تخصصی آینده اینترنت در ایران؛ در جست‌وجوی مسیری برای همگرایی» که توسط آزمایشگاه داده و حکمرانی با همکاری خانه اندیشه‌ورزان برگزار شد، رئیس سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی اظهار داشت که اینترنت ایران در دولت کنونی به‌رغم سال‌های قبل قطعی کاملی نداشته است. دیجیتالو ضمن اعلام این خبر نوشت، این نشست با حضور امیر لاجوردی، رئیس سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی، نیما قاضی، رئیس انجمن تجارت الکترونیک تهران، محمدصادق امامیان، عضو هیئت‌علمی دانشگاه امیرکبیر و هم‌بنیان‌گذار اندیشکده حکمرانی شریف و محمد کشوری، مدیرگروه علمی-تحلیلی طیف، برگزار شد. لاجوردی در این نشست درخصوص عدم قطعی اینترنت گفت: «اینترنت در دولت کنونی کامل قطع نشد. در سال گذشته، برخلاف سال‌های پیش، ما اینترنت را قطع نکردیم و همواره آماده همکاری هستیم.» او این صحبت‌ها را در حالی مطرح کرد که فیلترینگ گسترده پیام‌رسان‌هاوشبکه‌های اجتماعی در دولت کنونی، از زمان اجرا تاکنون انتقادات گسترده‌ای را برانگیخته‌است.



اضافه‌شدن Gemini به کروم

ویژگی‌های گوگل کروم، به‌عنوان یکی از محبوب‌ترین مرورگرهای وب، دائماً در حال تکامل هستند. گوگل که این ماه نام Bard را به Gemini تغییر داده بود، حالا چت‌بات خود را از طریق میان‌بر Chat with Gemini به کروم اضافه کرده است. دیجیتالو ضمن اعلام این خبر نوشت، این امر به‌طور قابل توجهی نحوه تعامل کاربران با Gemini را ساده‌تر می‌کند تا آن‌ها بتوانند خیلی سریع و راحت‌تر و بدون بازکردن برگه یا وب‌سایت جدید، به پاسخ سوالات خود برسند. میان‌بر Chat with Gemini هم‌اکنون در کانال Canary کروم در حال آزمایش است. درحالی‌که این میان‌بر یک شروع عالی برای اضافه‌کردن چت‌بات گوگل به کروم محسوب می‌شود، اما انتظار می‌رود که غول فناوری طی ماه‌های آینده Gemini را بیشتر در کروم ادغام کند. اگر گوگل مسیری را که مایکروسافت با Copilot طی کرده است، دنبال کند، احتمالاً Gemini نیز به محصولات بیشتری راه پیدا خواهد کرد.

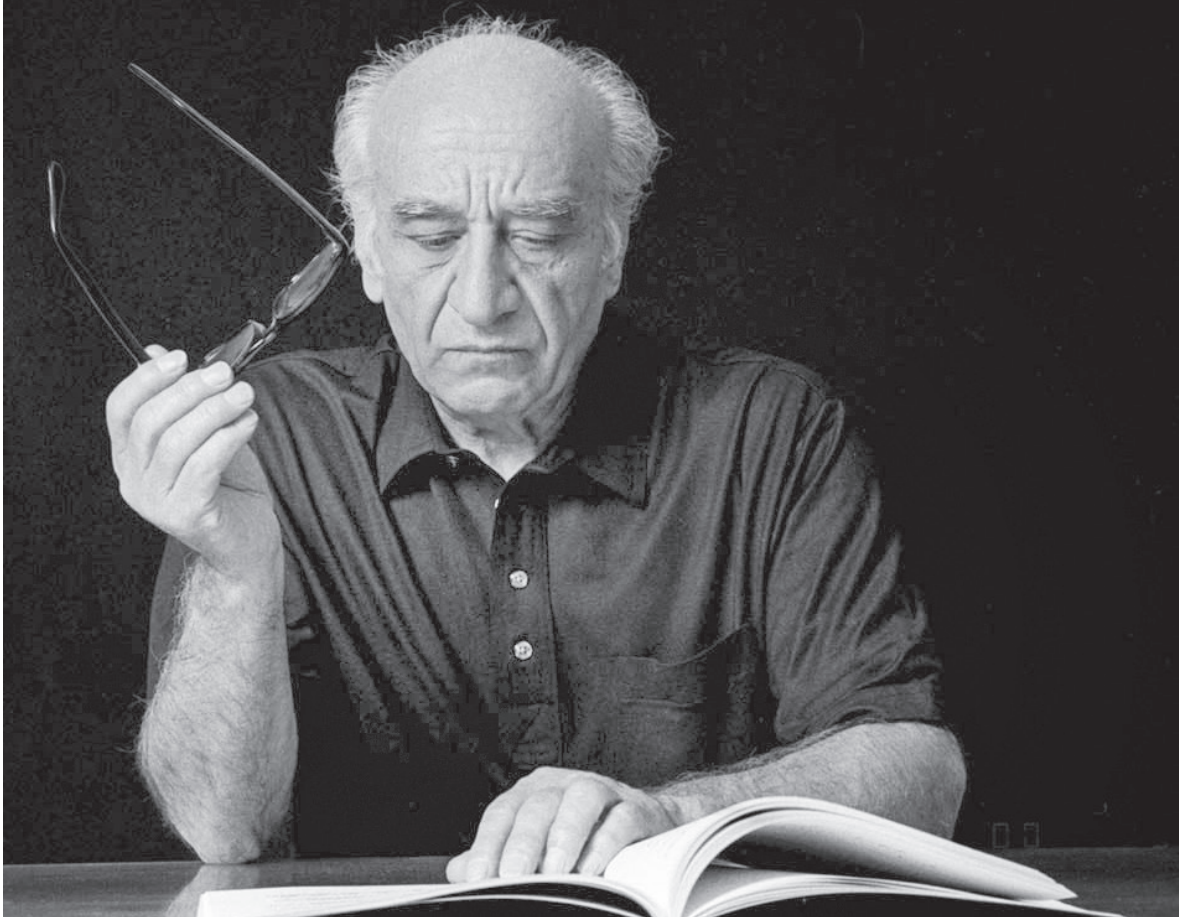


حمایت از پیام‌رسان‌های داخلی

محمد خونساری، معاون وزیر ارتباطات و رئیس سازمان فناوری اطلاعات ایران درباره حمایت‌های انجام‌شده از پیام‌رسان‌های داخلی و وضعیت آن‌ها اظهار کرد: «پیام‌رسان‌های داخلی ظرفیت‌هایی هستند که برای برطرف کردن نیازهای مردم، اطلاع‌رسانی، تبادل اطلاعات و موارد دیگر ایجاد شده‌اند.» ایسنا ضمن اعلام این خبر نوشت، خونساری افزود: «این موضوع در گذشته هم وجود داشته، اما در این دولت برای اینکه بتوان از پیام‌رسان‌ها در سطح ملی استفاده کرد، به‌صورت جدی حمایت‌هایی از آن‌ها انجام شده است. البته این حمایت‌ها به‌معنی دخالت در کار پیام‌رسان‌ها نیست اما در حوزه‌های زیرساختی، وزارت ارتباطات انواع و اقسام حمایت‌های لازم برای تبیین زیرساخت‌های ابری را انجام داده است.» او این صحبت‌ها را در حالی مطرح کرده است که به‌رغم فیلترینگ رخ‌داده برای پیام‌رسان‌ها و شبکه‌های اجتماعی خارجی همچنان میزان استفاده از آن‌ها توسط مردم بیش از میزان استفاده آن‌ها از پیام‌رسان‌های داخلی است.

موقوفه موسیقی ایران بود

گفت‌وگوبا مسیح افقه نوازنده سنتور و موسیقی دان درباره فرامرزپایور



نرگس کیانی

خبرنگار گروه فرهنگ

فرامررز پایور با تکنیک و مهارت خود، جایگاه سنتور را در موسیقی ایران ارتقاء داد. تسلط او بر ردیف‌های موسیقی ایرانی و خلاقیت در نوازندگی، به او سبکی منحصربه‌فرد بخشید که تا امروز الهام‌بخش بسیاری از نوازندگان سنتور بوده است. پایور در طول سال‌های فعالیت خود، شاگردان بسیاری را تربیت کرد که هر یک از آن‌ها به نوازندگان برجسته‌ای در عرصه موسیقی ایران تبدیل شدند. او در سال ۱۳۴۳ گروه پایور را بنیان گذاشت. این گروه با گرد هم آوردن نوازندگان برجسته ایرانی، به اجرای موسیقی اصیل در داخل و خارج از کشور پرداخت. گفته می‌شود، پایور از اولین کسانی بود که گروه‌نوازی را در موسیقی ایرانی رواج داد. فرامررز پایور در تاریخ موسیقی ایران به عنوان نوازنده‌ای چیره‌دست، ردیف‌دانی برجسته، آهنگسازی خلاق و مدرسی دلسوز شناخته می‌شود. آن چه در ادامه می‌خوانید گفت‌وگویی است با مسیح افقه، نوازنده چیره‌دست سنتور و از شاگردان و ادامه دهندگان راه فرامررز پایور به بهانه سالروز تولد این استاد برجسته در بهمن ماه.



مسیح افقه

نوازنده سنتور:

من فرامررز پایور را موقوفه موسیقی کشور می‌دانم. او خودش را وقف موسیقی مملکت ما کرد و اگر کمی بی‌پروا تر صحبت کنیم، این کار را به‌شکلی انتحاری انجام داد

را دیده است جواب منفی می‌دهد اما می‌گوید صفحه‌اش را شنیده و مشخص است که با دقت شنیده و متوجه تکنیک حبیب سماعی بوده است. می‌دانیم که استاد ابوالحسن صبا همکار حبیب سماعی بوده و صرفاً شاگردش نبوده است و حتماً به تکنیک حبیب سماعی وارد بوده است و اینجا باید اشاره کنیم که پایور قطعاً بعد از ابوالحسن صبا به تکنیک حبیب سماعی، اشراف کامل داشته است. اگر حبیب سماعی را نماینده نسل گذشته سنتورنوازی کشور بدانیم، پایور کاملاً می‌دانسته او چه کرده است و برای ارتقای آن باید چه تمهیداتی در نوازندگی اندیشید. به‌همین خاطر است که می‌بینیم با کاری که پایور روی پایه‌های چهارمضرب‌ها یا ضربی‌های حبیب سماعی کرد، این چهارمضرب‌ها چقدر پیشرفته شدند. البته طبق اظهارنظر پایور، هیچ‌وقت صحیح نیست که نوازنده‌ای از یک نسل را با نوازنده‌ای از نسل قبل اومقایسه کنند اما قطع به‌یقین آن چه پایور براساس نوازندگی گذشتگان خود ساخته و پرداخته یا آن چه دقیقاً خود بنیان‌گذاری کرده است به‌شدت متفاوت است و با فاصله‌ای بسیار محسوس نسبت به نوازندگان هم‌عصر و گذشتگانش قرار دارد. این نشان می‌دهد که پایور در این زمینه به‌شدت صاحب فکر بود و هم از تفکر و هم از ذوق، بسیار استفاده کرده است. فرامررز پایور به‌دلیل شرایط خاص سیستم زندگانی اش، از این فرصت هم برخوردار بود که در عین حفظ سلامت، تا آن جایی که می‌تواند روی ساز تخصصی اش کار کند و این از همان نمونه‌های ضبط‌شده اولیه سنتور پایور در رادیو ایران مربوط به سال ۱۳۳۵ پیداست. در مورد شیوه ملودی‌پردازی یا آهنگسازی فرامررز پایور هم، یکی از تاثیرگذارترین افراد بر کار او، شخص ابوالحسن صباست. من، خود این جمله را از فرامررز پایور شنیدم که وقتی می‌خواهم اثری را بسازم، یکی از آثار استادم را برمی‌دارم و روی آن کار می‌کنم. این نیز جمله‌ای است که یک بار خود او در یکی از کلاس‌ها مطرح کرد که کار کردن روی آثار گذشته هیچ ایرادی ندارد و غربی‌ها نیز چنین کاری را انجام داده‌اند. البته که ما آثاری را هم در کارنامه فرامررز پایور می‌بینیم که مطلقاً منحصر به فرد و مربوط به شخص خود او هستند و کم‌هم نیستند ولی آثاری که مربوط به گذشتگان مخصوصاً عبدالحسن صبا هستند، در کارنامه کاری پایور تاثیرگذاری بسیار داشته‌اند. به‌عنوان نمونه رنگ دشتی در راست کوک که ممکن است از اتود دشتی صبا الهام گرفته شده باشد یا بخش‌هایی از قسمت دوم قطعه پوپک که ممکن است تحت‌تاثیر نواخته‌های صبا بوده باشد و نظایر این‌ها. شیوه کار فرامررز پایور را در این حوزه می‌توان مانند آن چیزی دانست که در ادبیات، استقبال کردن از غزل یک شاعر می‌نامندش. پس به نظر می‌آید که در کار ملودی‌پردازی او چنین مقوله‌ای وجود داشته است. به‌علاوه این که پایور دائماً به ملودی فکر می‌کرده و این چیزی است که کارش آن را نشان می‌دهد: حجم بالایی از ملودی که در کتاب‌های سنتورش نوشته یا تصانیفی که ساخته است و توسط خوانندگان مشهور زمان در دوره‌های گوناگون اجرا شده‌اند. این‌ها عیناً ساخته‌های خودش هستند یا جواب‌های بندهای تصانیف قدیمی که از ملودی‌های پایور گرفته شده‌اند. به‌این معنا که وقتی تصنیف «باد خزان» درویش‌خان را که پایور تنظیم کرده است می‌شنویم، جواب‌هایی که به خواننده می‌دهد، جواب‌هایی است که پایور در آثار خود استفاده کرده است

و ضمن این که نشان از ذوق بسیار خارق‌العاده اوست نشان این هم هست که این ذوق به‌خصوص در این تصانیف با ذوق قدمای ما هم‌راستاست. نمی‌گویم منطبق، می‌گویم هم‌راستا و ادامه‌دهنده است. به‌همین جهت در کار ملودی‌پردازی پایور نوعی طراوت دیده می‌شود. طراوتی که در عین دارا بودن اصالت گذشتگان، مطلقاً کپی‌برداری نیست، بلکه دقیقاً ادامه‌دهنده ملودی‌هایی است که از گذشته به او ارث رسیده است.

ما می‌دانیم که گروه‌نوازی در موسیقی ما از قدمتی طولانی برخوردار نیست و استاد پایور را می‌توان به‌عنوان کسی که گروه‌نوازی را در موسیقی ایرانی رواج داد، دانست. چنان‌چه یکی از اساتید بزرگ می‌گفت، ما همواره گوش‌مان به رادیو بود تا ببینیم کی برنامه‌های آقای پایور پخش می‌شود تا بشنویم، و آن چه را انجام داده است، الگو کنیم. به ارتباط تنگاتنگ استاد پایور با نسل قدیم اشاره کردید، می‌خواهم بدانم آیا تصور می‌کنید جای گروه‌نوازی را در میان آن نسل خالی می‌دانستند که به این سمت حرکت کردند یا نه خودشان شخصاً به این نتیجه رسیدند؟ ارزیابی‌تان در این مورد چگونه است؟

حتماً برای این بوده است که بتواند بدعتی در گروه‌نوازی بگذارد و حتماً آن چه در گذشته به‌عنوان گروه، ارکستر یا نظایر این‌ها بوده و یا اجرایی که احیاناً در رادیو ایران گذاشته می‌شده را مدنظر داشته است و شخصاً می‌خواسته که چنین سبکی را در گروه‌نوازی ایجاد کند. اجرایی فرامررز پایور با سازهای ملی به هیچ اجرایی شباهت ندارد. یعنی قبل از او کسی این طور اجرا نمی‌کرد و در زمان او هم که برنامه‌های گوناگونی به فراخور زمان در رادیو پخش می‌شد، هیچ گروهی چنین صدایی تولید نمی‌کرد. من فکر می‌کنم او از یک‌سو برای این که نقش سازهایش را به‌شکلی واضح به مخاطبانش منتقل کند و ازسوی دیگر برای این که پرسپکتیوی در اجراهایش ایجاد کند، به چنین سبکی روی آورد و در حقیقت ابتکار به خرج داد و می‌بینیم تمام اجراهای او با گروه خودش یا گروهی که تحت‌عنوان فرهنگ‌و هنر شناخته می‌شد، چنین بودند. خوانندگان شما مستحضرنده که استاد پایور با دو گروه همکاری می‌کرد؛ یکی گروه اساتید که عموماً آثار خود او را اجرا می‌کردند و دیگری گروه فارغ‌التحصیلان هنرستان موسیقی که نوازندگانی شاخص داشت و برخی از شاگردان مکتب استاد صبا هم عضو آن بودند. این گروه به‌دلیل آشنایی‌شان بانت‌خوانی، تکنیک بالای نوازندگی‌شان و... این مجال را برای استاد پایور ایجاد می‌کردند که تنظیم‌هایی بنویسد تا اجرایی جذاب‌تر از مجموعه گروه‌نوازی در اختیار قرار دهد. حتی کارهای بعد از انقلاب او هم، کارهایی که از او منتشر شد یا اجرایی که داشت، با همین شیوه تنظیم می‌شدند و به‌رغم این که تعداد سازهای کشتی در گروه به اندازه گذشته نبود ولی باز هم متوجه می‌شویم که فرامررز پایور نسبت صوت سازها را به چه میزان هوشمندانه محاسبه کرده است.

یکی از ویژگی‌های بزرگ سبک گروه‌نوازی استاد پایور آن است که در گروه‌نوازی‌ها چه در اجراهای روی صحنه، چه در نسخه‌های ضبط‌شده هیچ‌وقت سازش به‌عنوان سرپرست گروه، روی سازهای گروه سوار نبوده است. به‌هیچ‌عنوان و این توجه ویژه او را به سازهای کشتی می‌رساند و متوجه‌مان می‌کند تا ببینیم که او تا چه حد به سازهای کشتی توجه داشته است و این خود نشان از اشراف او به حوزه آوایی دارد. نکته‌ای که خود او هم همواره در لابه‌لای صحبت‌هایش اشاره می‌کرد، این بود که هیچ مجموعه‌سازی به‌اندازه سازهای کشتی به آواز نزدیک نیست. برای همین است که وقتی به گروه‌نوازی‌های استاد پایور دقت می‌کنیم، نقش سازهای کشتی را به‌وضوح می‌بینیم و در کنارش این نکته هم حائز اهمیت است که نوازندگان خوبی در اختیار داشته است. نوازندگانی که می‌توانستند تنظیم‌های او را به خوبی اجرا کنند. نقش سازهای مضربی؛ سنتور، تار یا دیگر سازها مثل رباب و عود در مجموعه او به‌عنوان سازهای است که در تقابل ولی هم‌جهت با خط ملودی و شیوه تنظیم نواخته می‌شوند و هیچ کدام صدای سازی دیگر را تخریب نمی‌کنند. برای همین است که وقتی اجراهای گروه‌نوازی او را می‌بینم، گاهی اوقات تصور می‌کنیم که استاد پایور از تمهیدات استودیویی استفاده کرده است در حالی‌که گروه‌نوازی او حتی در اجراهای زنده هم پرسپکتیو دارد و گویی سبعتی شنیده می‌شود و مشخص است که در تنظیم به مهندسی صوت فکر شده است. او به خوبی متوجه نسبت تولید صوت در سازهای مضربی، در مقابل سازهای کشتی بوده است و البته همان‌طور که اشاره کردم، نوازندگان خوبی هم در کنارش بوده‌اند.

ما می‌دانیم آن چه از استاد پایور درخصوص ساز سنتور به‌جا مانده، به گسترده‌گی این ساز کمک بسیار کرده است، می‌خواهم نظراتان را در مورد شیوه تفکر استاد پایور در خصوص ترویج موسیقی بدانم و این که ایشان در این مورد چطور فکر می‌کردند؟ ضمن اینکه شما چیزی بین ۱۰ تا ۱۱ سال، خدمت استاد پایور بودید و تا دور‌تان نزد ایشان تمام شد، به‌طور مرتب به کلاس‌های‌شان می‌رفتید. از این رو قطعاً اشراف بسیار زیادی نسبت به شیوه آموزش استاد پایور دارید. نظراتان در مورد شیوه آموزشی ایشان که خودتان هم ادامه‌دهنده‌همان شیوه هستید، چیست؟

در مورد ترویج موسیقی استاد پایور پیش از هر چیز، اعتقادی راسخ به ارائه موسیقی به جامعه داشت. وقتی می‌گویم جامعه، منظور مان حتماً سالن کنسرت نیست، بلکه حتی ممکن است یک نفر ارائه‌کننده موسیقی در جمعی مثلاً چند نفر، اجرای خود را ارائه دهد. او همیشه اعتقادش این بود که باید شرایط ارائه موسیقی در آن جمع یا اجتماع محیا باشد. شرایطی که او برای ارائه موسیقی قائل بود، از این قرار بود که فضا باید در سکوت کامل باشد تا مخاطب بتواند به محتوای موسیقی توجه کند حتی اگر ذی تخصص نیست. بنابراین ترویج موسیقی را در فضایی سالم می‌خواست و فضایی را برای ارائه موسیقی مناسب می‌دید که تمام توجه مخاطب معطوف به موسیقی باشد. این شرایطی بود که هر جایی می‌گذاشت و می‌خواست اجرای افراد را بشنود یا در کلاس‌های موسیقی اش هنگامی که شاگردان می‌خواستند